



در حسرت سفره‌های ساده و صمیمی دیروز

دوره‌می فامیلی در رستوران هیچ لطفی ندارد

■ مریم ترابی

این روزها زندگی ما ایرانی‌ها مثل یک فیلم تکراری شده است. از صبح تا شب دنبال یک لقمه نان می‌دویم که با وجود شرایط بد اقتصادی، به سختی به آن لقمه نان می‌رسیم. در این وانفسای کسب و کار و در آمدهای خراب، روزمرگی هم خود داستانی است. قدیم ترها شب‌نشینی‌های فامیلی بهترین دلیل برای فرار از روزمرگی بود. گاهی اوقات خرچش آب و یک تکه گوشت و دنبه و چند استخوان و نخود و سیب زمینی... بود که می‌شد آنگوشت، غذای اعیانی آن روزها. همین که سفره یهن می‌شد کوچک و بزرگ فامیل کنار هم بی‌آلایش و خراج از هر ادعا می‌نشستند و کیف می‌کردند و لذت می‌بردند. هم فامیل با هم دیداری تازه می‌کردند، هم از گرفتاری‌ها و مشکلات هم باخبر می‌شدند و اگر کسی هم می‌توانست و کمکی از دستش برمی‌آمد از دیگری دریغ نمی‌کرد. کم‌کم با گذشت سال‌ها و تغییر سبک زندگی ما ایرانی‌ها این شب‌نشینی‌ها هم از بین رفت و دیگر کسی به این‌نوع رفت و آمدها عادت ندارد و چه بسا اصلاً قبول ندارد و همچنین برگزاری مهمانی‌های فامیلی هم بسیار کم‌رنگ شده است و در واقع سبک و سبای این مهمانی‌ها هم در این روزگاری که همه چیز در حال تغییر است، دچار تغییراتی شده است.

■ جمع فامیل در رستوران

چند وقتی بود که به هیچ مهمانی یا دوره‌می دوست و فامیل دعوت نشده بودیم تا اینکه بالاخره یکی از اقوام تصمیم گرفت فامیل را یک شب به صرف شام دور هم جمع کند. قرار بود مهمانی و سنت زیبای صله رحم در یک رستوران معروف شهر برگزار شود. برای ما مرفی نداشت که این دوره‌می در خانه باشد یا جای دیگر. مهم این بود که نوعی در زندگی روزمره و تنوع‌ناخت ما اتفاق

سبک پذیرایی

بیفتند. شب موعود فرارسید. لباس نو یا به قول قدیمی‌ها پلخوری خود را به تن کردیم و راهی رستوران مورد نظر شدیم. ساعت‌ها در ترافیک بی‌پایان شهر ماندیم تا به رستورانی که در آن سر شهر قرار داشت رسیدیم. تمام اقوامی که دعوت شده‌بودند دور یک میز بزرگ نشسته بودند.

با همه احوال بررسی کردیم و روی صندلی سر جای خود نشستیم. میزبان مرتب بین صندلی‌ها می‌چرخید و با اهل فامیل صحبت می‌کرد. بعد از مدتی خدمه رستوران شروع به پذیرایی کردند. غذاهای سفارش داده شده روی میز چیده شد و ما هم مشغول خوردن شدیم. بعد از صرف غذا کم‌کم همگی آماده رفتن شدند چون کار دیگری نمانده بود که انجام دهند و باید زودتر رستوران را ترک می‌کردیم. از زمانی که وارد رستوران شدیم تا زمانی که غذا را صرف کردیم و رستوران را ترک کردیم تقریباً دو ساعت طول کشید. در راه برگشت به خانه یک حس غریبی ما را درگیر خود کرده بود. یک حس نا آشنا که گویا این روزها باید به آن هم عادت کنیم.

یک حس رفع تکلیف، یک حس معذب و ناراحت‌کننده، حس روابط سرد و غریبانه که گویا این روزها در فرهنگ مهمان پذیری ما ایرانی‌ها بدجور خودش را جا کرده است. مهمانی آن شب آن حس شیرین قدیمی که وقتی از مهمانی همین فامیل خوب به خانه خود برمی‌گشتیم را نداشت. حس صمیمیت و بی‌ریایی را نداشت. انگار باید به حس غریبانه و وارداتی که با تغییر سبک زندگی ایرانی در فرهنگ مهمان پذیری ما وارد شده است، عادت کنیم.

■ سادگی را فراموش کردیم

یکی از رفتارهای اجتماعی، دید و بازدید با خویشاوندان، همسایگان و به‌طور کلی آشنایان است. این سر زدن و اطلاع از احوال همدیگر در دین ما «صله رحم» نام دارد. راه‌های مختلفی برای برگزاری این رفتار اجتماعی و صله

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۸۴۷۱

د

البته با توجه به شرایط بد اقتصادی بسیاری از خانواده‌ها، برگزاری مهمانی در رستوران، هزینه‌هنگفتی پر دوش میزبان تر جیح می‌گذارد. با این حال اما میزبان تر جیح می‌دهد به خاطر چشم و همچشمی و به رخ کشیدن توانایی مالی و با کلاس جلوه دادن مهمانی خود هزینه سنگین مهمانی در رستوران را بپذیرد ولو اینکه در این مهمانی به کسی خوش نگذرد و تبدیل به خاطره نشود. قطعاً در این مهمانی‌ها جای صمیمیت و بی‌ریایی بین افراد خالی است. یک لقمه غذای ساده با چاشنی صمیمیت بر سر سفره بی‌ریای میزبان بسیار دلچسب‌تر از غذای پر تشریفات ولی خالی از لطف رستوران است

نگاه

تلفن همراه و حکایت دوره‌می‌های امروز ما

مهمانی با حضور آدم‌های مجازی!

■ معجد فراهانی

خیلی‌از ما ایرانی‌ها اصولاً افراد جوگیر می‌هستیم. کافی است چیزی در کشور مد شود، بعضی‌ها تاشورش را در نیابوند کوتاه نمی‌آیند. جالب است این ویژگی گاهی تیشه به ریشه فرهنگ غنی مان می‌زند، اما باز حاضر نیستیم کوتاه باییم.

همین درگیری مردم با نرم افزارها یا اپلیکیشن‌ها و بازی‌های تلفن همراه را ببینید، چنان وابسته و عاشق و معشوق‌وار با گوشی تلفن همراه خود رفتار می‌کنند که آدم یاد لیلی و مجنون یا شیرین و فرهاد می‌افتد. حاضر نیستیم حتی برای قضای حاجت هم دست از سر یار و مؤسلمان برداریم. خدا را شکر اگر در این روزگار کسی به عشق و عاشقی اعتقادی ندارد و اصلاً به مبانی انسانیت فکر نمی‌کند وسیله‌ای هست که جای معشوقه‌ها را بگیرد تا نقش همسر و فرزندان را بازی کند و روابط خانوادگی را به راحتی بر باد دهد.

موبایل و حواشی آن آنقدر به رابطه‌ها سردی بخشیده که روزی خواهرر سیددلمان تنگ شود حتی برای دو کلمه غیبت یا حسادت‌های فامیلی! حسرت را بخواه‌ی‌ی را بخوریم که ساعت‌ها می‌نشستیم و بدون ترمز غیبت صغری و کبری را می‌کردیم یا بد حاج حسین و مش قاسم را می‌گفتیم!

باور کنید اگر فکری برای اصلاح این جودگی نکنیم فرهنگ و سبک زندگی ایرانی مان را با دست خودمان نابود خواهیم کرد.

از ما که گذشت، اما حداقل بخشی از زندگی ما را همین خاطره‌های دلنشین فامیلی ساخته است. به راستی نسل آینده قرار است کدام لذت مهمانی و دوره‌می فامیلی را به خاطر بیاورد و دلش بتهد؟

■ همه سرگرم گوشی‌ها

عید دیدنی اسمال برای من خیلی جای تأمل و تفکر داشت. چیزهایی دیدم که چندان جالب و خوشایند نبود. گاهی می‌خواستیم نقش آدم‌های با فرهنگ و مبادی آداب را بازی کنیم که ما متلاً خیلی خوبیم که در روابطمان از گوشی استفاده نمی‌کنیم ولی در همان حال و شرایط ما آقایان پنهانی سرمان توی جیب بغل کتمان بود و

د

روزگاری خانواده‌ها دخترانشان را با انواع و اقسام آداب و اصول پذیرایی و خانه‌داری آشنا می‌کردند که نکند دخترشان جلوی خانواده شوهر کم بیاورد و سرخورده شود، اما الان نمی‌دانیم که بچه‌ها کجا و چگونه باید ادب، احترام و آداب مهمان‌داری را یاد بگیرند، چراکه حسین پذیرایی همه حتی صادر و پدر هم سرشان توی موبایل است



■ ما را به شرایطی سوق می‌دهد که دیگر سلام

و علیک‌های معمول را هم فراموش می‌کنیم. مثلاً به جای اینکه زنگ در خانه عمه جان را بزیم با موبایل یک تک زنگ می‌زیم که معنی این را می‌دهد من پشت در هستم در را باز کن عمه جان یا اینکه استیکر ماهی می‌فرستی که یعنی عمه جان من ماهی هوس کردم برای شام ماهی درست کن و احتمالاً هم عمه جان برایمان استیکر لب و لوجه می‌فرستد که یعنی قریون صدقه ما می‌رود... همین‌طور شکلک‌های متفاوت که مثلاً بگویم که ما اهل ارتباط با خانه و خانواده هستیم!

پذیریم یا نه این بلایی است که سرمان آمده، ولی شاید هنوز این بلارازا آنقدر بزرگ و ویران‌کننده حس نکرده‌ایم. باید منتظر باشیم که خیلی از مهمانی‌های ما در میان کانال‌ها و گروه‌های مجازی برگزار شود. باید منتظر باشیم که به صورت مجازی از ما پذیرایی کنند و جای و شام مجازی میل کنیم!

جالب است که مثل انسان‌های منگ و معتاداً اصلاً تلنگری به خودمان نمی‌زنیم و حاضر نیستیم خودمان را تکانی داده و عکس‌العملی نشان دهیم. درد آنجاست که روش بازی در همین فضای مجازی را هم بلد نیستیم.

در همین فضای مجازی هم قائل به احترام ادب و نزاکت نیستیم. فکر می‌کنیم به هر شکلی و با هر ادب‌بایی که بخواهیم می‌توانیم با دیگر اعضای خانواده و دوستان از تباطر برقرار کنیم و حرف بزیم. روزگاری خانواده‌ها دخترانشان را با انواع و اقسام آداب و اصول پذیرایی و خانه‌داری آشنا می‌کردند که نکند دخترشان جلوی خانواده شوهر کم بیاورد و سرخورده شود، اما الان نمی‌دانیم که بچه‌ها کجا و چگونه باید ادب، احترام و آداب

مهمان‌داری را یاد بگیرند، چراکه حسین پذیرایی همه حتی مادر و پدر هم سرشان توی موبایل است و تمام بحث‌های خانوادگی روی همین موضوع می‌چرخد. واقعیت این است که تک‌تک اتفاقات مذکور می‌تواند روابط میان اعضای خانواده را تخریب کند و در نهایت سردی میان آنها را موجب شود.

فامیلی و دوستی، بالطبع رفت و آمدها هم تحت تأثیر این تغییرات، دچار دگرگونی شده و اکثر افراد ترجیح می‌دهند کمتر مهمانی بدهند و مهمانی بروند. در اکثر موارد تر جیح می‌دهند اگر قرار است وعده‌ای کسی را مهمان کنند آن را در یک رستوران برگزار کنند و پای مهمان را به خانه خود نکشاند.

یکی از دلایل این سبک جدید مهمانداری، کمبود جا و کوچک بودن خانه‌هاست که صاحبخانه وقتی می‌خواهد در خانه خود مهمانی بدهد تمام مغ و صمه‌عالم به دوش می‌ریزد که در این خانه کوچک چگونه از مهمان‌ها به نحو احسن پذیرایی کند. دلیل دیگر دکوراسیون و مبلمان و وسایل منزل است که صاحبخانه را برای یک مهمانی به تکاپوی تغییرات و وسایل منزل می‌اندازد. در واقع آتش چشم و همچشمی که مثل یک موربانه به جان سبک زندگی ایرانی افتاده و روابط دوستی و فامیلی ما ایرانی‌ها را تحت تأثیر قرار داده است، میزبان را به این فکر می‌اندازد که مهمانی خود را با خیال آسوده در یک رستوران برگزار کند تا اینکه مجبور باشد خانه، وسایل و دکوراسیون خانه‌اش را زیر ذربین نگاه مهمانان قرار دهد.

البته با توجه به شرایط بد اقتصادی بسیاری از خانواده‌ها، حس روابط سرد و غریبانه که گویا این روزها در فرهنگ مهمان‌پذیری ما ایرانی‌ها بدجور خودش را جا کرده است. مهمانی آن شب آن حس شیرین قدیمی که وقتی از مهمانی همین فامیل خوب به خانه خود برمی‌گشتیم را نداشت. حس صمیمیت و بی‌ریایی را نداشت. انگار باید به حس غریبانه و وارداتی که با تغییر سبک زندگی ایرانی در فرهنگ مهمان‌پذیری ما وارد شده است، عادت کنیم.

■ سادگی را فراموش کردیم

یکی از رفتارهای اجتماعی، دید و بازدید با خویشاوندان، همسایگان و به‌طور کلی آشنایان است. این سر زدن و اطلاع از احوال همدیگر در دین ما «صله رحم» نام دارد. راه‌های مختلفی برای برگزاری این رفتار اجتماعی و صله

د

در فرهنگ و سبک مهمان‌پذیری ایرانی‌ها وقتی قرار است مهمان به خانه بیاید، از روز قبل از مهمانی، جنب و جوش و تکاپویی در خانه میزبان به راه می‌افتد. این تکاپو و جنب و جوش نشان از احترامی دارد که میزبان برای مهمان خود قائل است. قدیم ترها این صمیمیت بین فامیل و دوست و آشنا به دلیل نوع سبک زندگی و سادەز بستی که وجود داشت بیشتر و اصیل‌تر از امروزه بود و وجود داشت بیشتر و اصیل‌تر از امروزه بود

مهمانی یک بار مصرفی شایسته ما نیست

چینی گل سرخی یا بشقاب کاغذی!؟



نیز غذاها همگی روی میزی در گوشه‌ای از سالن خانه در ظرف‌های یکبار مصرف به شکل پیرکس چیده شده‌اند و مهمان‌ها نیز باید غذا و نوشیدنی‌های خود را در ظرف یک بار مصرف کشیده، گوشه‌دنجی را پیدا و غذای خود را در این ظروف نه چندان قرص و محکم میل کنند. اسم مهمانی‌های این دوره را باید بگذاریم مهمانی‌های یک بار مصرف. نه از فنجان‌های چینی و کریستال برای نوشیدن چای خیر است و نه از بشقاب و لیوان‌های چینی و بلوری. همه چیز یک بار مصرف است از سفره یکبار مصرف روی میز بگیریم تا... در پایان مهمانی نیز کافی است کیسه‌زباله سباز بزرگ را برداریم و تمام ظرف‌های مصرف شده در مهمانی را داخل آن بریزیم، سر کیسه‌ا را گره‌بزیم و بگذاریم

واقع به نوعی به خود احترام گذاشته‌اید. این به هیچ وجه تجمل‌گرایی نیست زیرا ما ایرانی‌ها از قدیم‌ترین‌ها ایمان را تقدیم مهمان کرده‌ایم، ساده‌اما بهترین. پذیرایی از مهمان با چای در لیوان یک بار مصرف و میوه سرو کردن در بشقاب‌های یک‌بار مصرف حس خوبی به مهمان نمی‌دهد به اندازه کافی با حضور فرهنگ و سبک زندگی بیگانه سردی روابط در جامعه ما ایجاد شده است، پس باین گونه رفتارها به سردی روابط دامن نزنیم.

از سویی ظروف یک بار مصرف که در زندگی ما ایرانی‌ها جای خود را باز کرده است، دهه‌نوع ماده سرطان‌زا را به‌همراه دارد. ظروف یک بار مصرف پلیمری و کیسه‌های پلاستیکی در صورت تماس با مایعات و مواد غذایی بالای ۴۰ درجه، ماده‌ای شیمیایی به نام استایرن از خود خارج می‌کنند که موجب تلخی غذایی‌شودواین ظروف شیک و به‌ظاهر بهداشتی می‌توانند یکی از دلایل بالا رفتن آمار انواع

شاید سرعت بالای زندگی صنعتی، مردم را بیشتر به سمت استفاده از ظرف‌های یک بار مصرف سوق می‌دهد اما این روند، هر روز پیشکان و کارشناسان محیط زیست را نگران‌تر از گذشته می‌کند. در خاتمه این سؤال مطرح می‌شود که آیا ما شیوه درست استفاده و مصرف فناوری و تکنولوژی را بلد نیستیم و در هر چیزی که در جهت رفاه بیشتر ماست آنقدر زیاده‌روی می‌کنیم تا به‌قول قدیمی‌ها شورش را درمی‌آوریم؟ استفاده از وسایل یک بار مصرف آن هم به صورت کاملاً بهداشتی و طبق قاعده و اصول، فقط در زمان‌های ضروری خوب است نه اینکه این ظروف را جایگزین ظرف‌های چینی دائمی کنیم.

روابط سرد یک بار مصرفی در مهمانی‌های یک بار مصرفی با وسایل پذیرایی یک بار مصرفی شایسته سبک زندگی ایرانی – اسلامی نیست.